

تناقض در راهبردهای امنیتی ناتو در غرب آسیا بررسی مقایسه‌ای بحران لیبی و سوریه

حیدرعلی مسعودی^۱
آرش سبحانی^۲

DOR: 20.1001.1.26765756.1398.8.28.2.3

چکیده

ناتو بعد از جنگ سرد تلاش کرد با توسل به عملیات‌های بشردوستانه، دامنه نفوذ امنیتی خود را در مناطق پیرامونی از جمله غرب آسیا گسترش دهد. ناتو طی سال‌های گذشته با دو بحران امنیتی بزرگ در مرزهای جنوبی خود یعنی بحران لیبی و سوریه مواجه بوده که در برخورد با هر کدام از این بحران‌ها، راهبرد امنیتی متفاوتی را در پیش گرفته است. راهبرد مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) و راهبرد عدم مداخله در سوریه نه تنها نشان‌گر تناقض‌های عملی در راهبردهای امنیتی بلکه بازتاب تناقض‌های هنجاری در رویکردهای امنیتی ناتو است. بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که عوامل به‌وجودآورنده این تناقض‌های عملی و هنجاری ناتو به خصوص در قبال بحران‌های منطقه‌ای از جمله دو بحران بزرگ لیبی و سوریه کدام‌ها هستند؟ تر اصلی مقاله این است که تفاوت در رویکرد قدرت‌های بزرگ رقیب ناتو، نقش بازیگران منطقه‌ای نوظهور و توانمندی داخلی کشورهای هدف، مهم‌ترین عوامل به‌وجودآورنده راهبردهای امنیتی متناقض ناتو در قبال بحران‌های منطقه‌ای بوده است.

واژگان کلیدی: ناتو، غرب آسیا، بحران لیبی، بحران سوریه، مداخله بشردوستانه

h_masoudi@sbu.ac.ir

۱. استادیار روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

جستار گشایی

امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه به تازگی ناتو را دچار «مرگ مغزی» (Macron 2019) و پیش از او دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا (Trump 2017) ناتو را سازمانی «منسوخ» معرفی کرده‌اند. اگر این انتقادات از سوی کشورهای رقیب ناتو مانند روسیه یا حتی قدرت‌های درجه دوم ناتو مانند بلژیک یا یونان بیان شده بود، می‌شد آن را به حساب رقابت‌های استراتژیک قدرت‌های جهانی یا شکاف‌های درونی بین اعضای قدرتمند و ضعیف گذاشت؛ ولی زمانی که فرانسه و آمریکا به عنوان دو عضو بنیان‌گذار ناتو چنین انتقادات تندی را نسبت به این سازمان مطرح می‌کنند، طبعاً باید آن را نشانه‌ای از بحران عمیق هویتی در این بزرگ‌ترین ائتلاف نظامی جهان دانست. هدف این مقاله بررسی یکی از مصادیق این بحران عمیق هویتی یعنی کاربست تناقض‌آمیز اصل مداخله بشردوستانه به عنوان سنگ‌بنای هویتی ناتو پس از جنگ سرد است.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در ۴ آوریل ۱۹۴۹ بر اساس مفهوم امنیت دست جمعی و با هدف مقابله با شوروی تشکیل شد. با فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ و به تبع آن با از بین رفتن تهدید کمونیسم، ناتو دچار بحران هویتی شد. اعضای ناتو تلاش کردند که در قالب برداشت موسع از مفهوم امنیت به خصوص در قالب امنیت همکاری‌جویانه^۱، چشم‌انداز جدیدی برای سازمان تعریف کنند. این چشم‌انداز جدید در قالب مأموریت‌هایی مانند مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، برقراری ثبات و امنیت و مهم‌تر از همه مداخله بشردوستانه تعریف شد. مداخله نظامی ناتو در کوزوو (۱۹۹۹)، اعزام نیرو به افغانستان و مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) در راستای این چشم‌انداز جدید صورت گرفت.

وقوع بحار عربی در کشورهای منطقه و تزلزل سیستم امنیت منطقه‌ای در غرب آسیا و شمال آفریقا منجر به نقش جدی‌تر ناتو در این منطقه شد. در واقع، ناتو تلاش کرد که با توسل به مداخله بشردوستانه، جایگاه خود در شکل‌دهی به ترتیبات امنیت منطقه‌ای را ارتقاء دهد. نتیجه این رویکرد، دخالت مستقیم ناتو در بحران لیبی و برخی اقدامات غیرمستقیم در بحران سوریه بود. بحران لیبی از ۱۳ ژانویه ۲۰۱۱ شروع شد و در شرایطی که درگیری‌های خونین در میان مخالفان و هواداران قذافی ادامه داشت، شورای امنیت در تاریخ ۱۷ مارس ۲۰۱۱ با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ عملاً امکان حمله نظامی به لیبی را برای ناتو فراهم کرد. در نهایت ناتو به درخواست سازمان ملل و حمایت برخی کشورهای منطقه، در لیبی مداخله نظامی کرد. اعتراضات از مارس ۲۰۱۱ در شهرهای سوریه شکل گرفت و درگیری‌های خشونت‌بار میان ارتش و مخالفان، موجب بحران در این کشور شد. نقش عوامل داخلی و مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای منجر به جنگ داخلی گسترده‌ای در این کشور شد. ناتو ضمن نگرانی نسبت به تحولات سوریه با صدور بیانیه‌ای ناامنی را در این کشور محکوم کرده و خواستار آن شده است که انتقال قدرت مطابق با بیانیه ژنو

۲۰۱۲ صورت‌گیرد (Wales Summit Declaration, 2014). اعضای ناتو به دنبال تصویب قطعنامه‌ای مشابه با قطعنامه لیبی در سوریه بودند تا مجوز حمله نظامی به آن کشور را به دست آورند، اما روسیه و چین مانع از این کار شدند.

سؤال اصلی مقاله این است که چرا ناتو راهبرد متفاوتی در بحران لیبی و سوریه داشته است؟ به عبارت دیگر، چرا ناتو وارد فاز حمله نظامی به لیبی می‌شود، ولی در بحران سوریه به صدور چند بیانیه، ارائه برخی توصیه‌ها و انجام نقش‌های محدود بسنده می‌کند. فرضیه پژوهش این است تفاوت در رویکرد قدرت‌های بزرگ رقیب، نقش بازیگران منطقه‌ای نوظهور و توانمندی داخلی کشورهای هدف، مهم‌ترین عوامل به‌وجودآورنده راهبردهای امنیتی متناقض ناتو در قبال بحران‌های منطقه‌ای بوده است.

پیرامون ناتو پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است؛ اما منبع کاملی که بتواند تصویر روشنی از نقش ناتو در غرب آسیا ارائه دهد، وجود ندارد. با این حال، به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. باکلی در مقاله‌ای با عنوان «آموختن از لیبی، اقدام در سوریه» (Buckley 2012) به اقدامات جامعه بین‌المللی از جمله ناتو در تحولات غرب آسیا می‌پردازد. او به ناامنی موجود در لیبی و سوریه و سپس به عوامل بروز این بحران‌ها می‌پردازد. این مقاله در اوج بحران سوریه چاپ شده است و به دنبال ارائه توصیه‌هایی برای حل و فصل سیاسی بحران سوریه است تا مقایسه اقدامات ناتو در لیبی و سوریه.

۲. علی جعفری در کتابی با عنوان «ناتو در غرب آسیا و خلیج فارس» (جعفری ۱۳۹۳) به حضور ناتو در جنگ ۱۹۹۱ کویت و سپس به حوادث ۱۱ سپتامبر اشاره می‌کند که باعث نقش‌آفرینی فرامنطقه‌ای ناتو شد. او بیان می‌کند که ناتو با استفاده از سازوکارهایی مانند گفتگوهای مدیرانه‌ای و طرح همکاری استانبول حضور خود را در منطقه شدت بخشیده است (جعفری، ۱۳۹۳: ۱۱۵-۱۵۰). نویسنده اشارات محدودی به مواضع ناتو در قبال بحران سوریه دارد، اما به نقش ناتو در لیبی نمی‌پردازد. در حالی که ما در این تحقیق به دنبال چرایی رفتار متفاوت ناتو در قبال سوریه و لیبی هستیم.

۳. جنیفر مدکالف در کتاب سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) (مدکالف ۱۳۹۲) ابتدا به روند شکل‌گیری ناتو می‌پردازد و به نقش این سازمان در معماری امنیتی اروپای غربی می‌پردازد. او بیان می‌کند که با فروپاشی شوروی ناتو دچار بحران هویتی شد، اما رخدادهایی مانند حمله عراق به کویت باعث شد تا ناتو نقش‌هایی را در خارج از حوزه فرا-آتلانتیکی بر عهده گیرد. سپس به تأثیر حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر بر فعالیت‌های ناتو می‌پردازد. به نظر نویسنده، حوادث تروریستی باعث شد تا مبارزه با تروریسم به دستور کار اصلی ناتو تبدیل شود. (مدکالف، ۱۳۸۸: ۳۰-۸۵). این کتاب اطلاعات مفیدی درباره ناتو بعد از فروپاشی شوروی در اختیار قرار می‌دهد اما در مورد تحلیل موردی اقدامات ناتو چندان به کار نمی‌آید.

۴. سجاده آزاده در مقاله‌ای با عنوان ناتو در لیبی (آزاده، ۱۳۹۰) بیان می‌کند که ناتو پس از پایان جنگ

سرد اهداف جدید خود را تعریف کرده و برای شناساندن این هویت جدید، اقداماتی از جمله حمله به لیبی را در دستور کار قرار داده است. نویسنده استدلال می‌کند بحران لیبی، فرصتی مناسب برای بازتعریف نقش‌های جدید ناتو به شمار می‌رود. این مقاله برای تحلیل رفتار ناتو در بحران لیبی مفید است و درصدد است که با استفاده از آن، گامی فراتر گذاشته و آن را با رفتار ناتو در بحران سوریه مقایسه کند.

۵. مصطفی عرفی در کتاب ناتو و غرب آسیا (Orfy 2011) به بررسی ماهیت و گسترش حضور ناتو در غرب آسیا از سال ۱۹۹۴ به بعد پرداخته است. او در این کتاب، بر پیچیدگی‌های چالش‌های داخلی و متغیر بودن محیط بین‌الملل در تکامل رابطه ناتو - غرب آسیا تأکید دارد. سپس نویسنده بیان می‌کند که قبل از ۱۱ سپتامبر نقش ناتو در غرب آسیا متأثر از گفتگوهای مدیرانه‌ای بود، اما با وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ناتو فعالیت‌های خود را در غرب آسیا تقویت کرد (Orfy, 2011: 20-67). نویسنده در این کتاب به نقش ناتو در غرب آسیا به شکل کلی می‌پردازد، در حالی که هدف ما مطالعه جزئی‌تر رفتارهای متناقض ناتو در غرب آسیا است.

۶. استفن در پایان‌نامه خود با عنوان تحلیل مداخله بشردوستانه در لیبی و عدم مداخله بشردوستانه در سوریه (Stefan 2012) به تعریف مداخله بشردوستانه می‌پردازد. همچنین به رفتار ناتو در ارتباط با بحران لیبی و سوریه می‌پردازد. استدلال استفن این است که توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه، عامل اصلی رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه بوده است. نویسنده دوگانگی رفتار ناتو را بر اساس توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه تحلیل می‌کند و دچار نوعی تقلیل‌گرایی تحلیلی است؛ به این معنا که به سایر عوامل تأثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در لیبی و سوریه اشاره‌ای نمی‌کند. در حالی که هدف ما در این تحقیق شناسایی همه عوامل تأثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه است.

۷. زمانی و زمانیان در مقاله‌ای با عنوان جایگاه مسئولیت حمایت در بحران سوریه (زمانی و زمانیان، ۱۳۹۵) از منظر حقوق بین‌المللی به بررسی ناتوانی اعمال مسئولیت حمایت در سوریه می‌پردازد. بر اساس موازین حقوق بین‌الملل، یکی از ارکان اصلی دکترین مسئولیت حمایت، وقوع یکی از جرائم نسل‌کشی است که درباره سوریه، وقوع جنایات جنگی حتمی است. به نظر نویسندگان مقاله ناتوانی شورای امنیت در اعمال مسئولیت حمایت، موجب وخامت بیشتر اوضاع و ناتوانی دولت سوریه در حمایت از حقوق بنیادین شهروندان شده است. این مقاله فقط نگاه حقوق بین‌المللی دارد و نمی‌تواند جنبه‌های سیاسی عدم مداخله ناتو در سوریه را تبیین کند.

در مجموع، می‌توان آثار پیشین درباره موضوع مقاله را به سه دسته تقسیم کرد: گروهی از منابع، با رویکرد نهادی فقط به ارائه کلیات درباره پیشینه ناتو و اقدامات آن در دهه اول بعد از فروپاشی شوروی می‌پردازد. بررسی موارد تاریخی مداخلات بشردوستانه ناتو نشان می‌دهد که سوریه و لیبی را می‌توان به طور یکسان

واجد شرایط مداخله نظامی تلقی کرد؛ بنابراین بر اساس رویکرد نهادی نمی‌توان تبیین درستی از چرایی اقدامات ناتو در بحران لیبی و سوریه ارائه داد. گروهی از منابع با رویکرد حقوقی تلاش کرده‌اند که عوامل حقوقی اعمال مسئولیت حمایت درباره لیبی و سوریه را در قالب نهادهای بین‌المللی بررسی کنند. این بررسی‌های حقوقی نشان می‌دهد که تک‌متغیر حقوق بین‌الملل نمی‌تواند تبیین درستی از رفتار متفاوت ناتو در لیبی و سوریه ارائه دهد. گروه سوم منابع، تلاش کرده‌اند بحران لیبی و سوریه را دستمایه تحلیل مقایسه قرار دهند. مشکل دسته سوم منابع این است که فقط خود را به جنبه خاصی از رویکرد مقایسه‌ای مانند توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه یا مواضع متفاوت قدرت‌های بزرگ درباره این دو بحران را محدود کرده‌اند. نوآوری مقاله این است که تلاش می‌کند با نگاه جامع‌تر، همه جنبه‌های مادی و معنوی اقدام/انفعال ناتو در بحران لیبی و سوریه را مد نظر قرار دهد.

در این مقاله، ابتدا مفاهیم تحقیق یعنی دو مفهوم برگرفته از لیبرالیسم یعنی مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت مورد بحث قرار می‌گیرد. در بخش دوم، داده‌های تحقیق یعنی راهبردهای ناتو در قبال بحران لیبی و سوریه بررسی می‌شوند. در بخش سوم، به تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق یعنی بررسی مقایسه‌ای راهبرد ناتو در قبال این دو بحران و زمینه‌های تمایز بین این راهبردها پرداخته می‌شود. در پایان، بخش نتیجه‌گیری خواهد آمد.

مفاهیم تحقیق

بعد از فروپاشی شوروی، ناتو تلاش کرد که مأموریت‌های خود را در قالب جدیدی با پوشش اقدامات بشردوستانه بازتعریف کند. مداخله ناتو در لیبی نمونه عملیات بشردوستانه ناتو محسوب می‌شود. ناتو یکی از بازیگران فراملی است که بر مفهوم امنیت جمعی شکل گرفت اما به مرور توانست از اصول لیبرالی مانند مداخلات بشردوستانه و مسئولیت حمایت برای توجیه اقدامات خود به خوبی بهره‌برد. در ادامه به بررسی دو مفهوم مداخله بشردوستانه^۱ و مسئولیت حمایت^۲ (Barnett, Michael N. 2010: 188-92) پرداخته می‌شود. الف) مداخله بشردوستانه: مداخلات بشردوستانه به عنوان یک اقدام و کنش اجباری توسط یک یا چند کشور که شامل استفاده از نیروی نظامی در یک کشور دیگر بدون رضایت مقامات آن کشور و در جهت حفظ حقوق بشر در مقابل حکومت‌های دیکتاتوری است. مداخله بشردوستانه در مدت زمان به نسبت کوتاهی پذیرفته شد (Jones, 2015: 161). ب) مفهوم مسئولیت حمایت: دکترین مسئولیت حمایت حاصل فجایع انسانی ناشی از نقض نظام‌مند حقوق بشر در دهه ۹۰ میلادی است. مسئولیت حمایت به موجب بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ بیانیه سران دولت‌ها در اجلاس عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. دکترین مسئولیت حمایت با هدف مقابله با نقض حقوق بنیادین انسان‌ها

1. Humanitarian intervention

2. Responsibility to protect

در قلمرو یک کشور و دولت تبیین و طبق آن اگر دولتی نقض حقوق بشر شهروندان خود را مرتکب می‌شود و یا قادر نباشد که از شهروندان خود محافظت کند، جامعه بین‌المللی عهده‌دار این مسئولیت خواهد بود. در اجلاس جهانی ۲۰۰۵ سازمان ملل، دولت‌ها اعلام داشتند در مواردی که دولتی قادر نیست جمعیت خود را در برابر نسل‌کشی، جرائم جنگی و پاک‌سازی قومی حمایت کند، مسئولیت آن حمایت را می‌پذیرند (Gargo, 2014).

داده‌های تحقیق

ناتو و بحران لیبی: در طول بحران لیبی، اعتراضات از بنغازی به دیگر مناطق لیبی سرایت کرد. در پایان فوریه ۲۰۱۱ نیروهای قذافی کنترل بخش‌های مهمی از لیبی را از دست دادند. جنگ داخلی در لیبی از ۱۳ فوریه سال ۲۰۱۱ میلادی، به دنبال شروع اعتراضات علیه قذافی آغاز شد و پس از سرکوب شدید در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ میلادی با سرنگونی معمر قذافی به پایان رسید. به دنبال جنگ داخلی در لیبی شورای امنیت و ناتو به تحولات لیبی واکنش نشان دادند. از جمله قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت درباره لیبی مبنای عملیات نظامی ناتو در لیبی و سقوط معمر قذافی شد. (Bhardwaj, 2014: 81-83)

اعمال مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت توسط ناتو در بحران لیبی: در طول بحران لیبی، گزارش‌ها حاکی از تشدید خشونت‌ها بود که طی آن قذافی شروع به سرکوب اعتراضات کرد. بان کی مون اعلام کرد که «صحنه‌های بسیار آزاردهنده‌ای در لیبی رخ داده است که در آن نیروهای قذافی به شدت اعتراضات را سرکوب کرده‌اند که نشان از خشونت رژیم قذافی است» (Ban, 2011: 1). سازمان ملل یک روز پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۰، جنایات مرتکب شده علیه مردم لیبی را مطرح کرد. در این قطعنامه، شورای امنیت از محکومیت لیبی توسط شورای امنیت، اتحادیه آفریقا و سازمان همکاری اسلامی استقبال کرد. این قطعنامه کشتار عمدی غیرنظامیان را محکوم کرده و خواستار حمایت از شهروندان شد. بر اساس این قطعنامه شورا در کنار اعمال تحریم‌ها علیه لیبی و اشاره به دکترین مسئولیت حمایت، جدی‌ترین برخورد را با قضیه لیبی اتخاذ کرده است. (Hehir & Murray, 2013: 77-78) بنابراین شورای امنیت در ۱۷ مارس ۲۰۱۱، قطعنامه ۱۹۷۳ را به تصویب رساند. قطعنامه ۱۹۷۳ خواستار آتش‌بس فوری و تشکیل منطقه پرواز ممنوع بر فراز حریم هوایی لیبی شد. بنابراین تصمیم شورای امنیت، منطقه پرواز ممنوع در جهت حمایت از غیرنظامیان در لیبی است و ناتو مجاز به اتخاذ «کلیه اقدامات لازم» برای اعمال ممنوعیت بر پروازها بود (Daalder, 2012: 5-7).

ناتو ایجاد منطقه پرواز ممنوع را پس از تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ برای حمایت از جان غیرنظامیان انجام داد و مدتی بعد طرابلس توسط ناتو آزاد شد و قذافی از قدرت برکنار و توسط انقلابیون لیبی کشته شد. حملات ناتو صدمات زیادی به نیروهای قذافی وارد کرد و در نهایت بیان کردند که مأموریت ناتو با موفقیت انجام شده است.

مداخله نظامی ناتو در جهت حفاظت از غیرنظامیان و مطابق با مجوز شورای امنیت در لیبی بوده است؛ اما در عرض چند هفته از شروع عملیات ناتو در لیبی، شواهد نشان می‌دهد که هدف اصلی ناتو از مداخله نظامی، سرنگونی رژیم قذافی بوده است. کمتر از دو هفته به مداخله، ناتو به نیروهای لیبی حمله کرد. در عین حال، ناتو نیروهای لیبی را در شهر سرت بمباران کرد، جایی که هیچ تهدیدی وجود نداشت. به جای پیگیری آتش‌بس، جنگ داخلی را در این کشور تشدید کردند (Fahim & Kirkpatrick, 2011). فرانسه نیز تسلیحات خود را به نیروهای مخالف که توسط انگلستان، ایتالیا و فرانسه آموزش دیده بودند، تحویل داد.

تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ و صدور مجوز مداخله نظامی می‌تواند گویای این امر باشد که اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ مبنی بر خاتمه یافتن بحران بوده است؛ با وجود هدف حمایت از غیرنظامیان، سرنگونی رژیم قذافی هدف مهم ناتو در لیبی بوده است. اولین حمله ناتو علیه رژیم قذافی در ۱۸ مارس رخ داد که پدافند هوایی و سامانه‌های موشکی لیبی را برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع هدف قرار داد (Kirkpatrick, 2011). این عملیات نظامی در روز بعد تشدید شد، زیرا حملات هوایی بر روی اهداف استراتژیک و کنترل طرابلس متمرکز بود؛ بنابراین ناتو بجای حمایت از غیرنظامیان، توانایی قذافی برای انجام هرگونه جنگی را تضعیف کرد.

مسئله «امنیت انرژی» و مداخله ناتو در لیبی: در سال‌های اخیر، امنیت انرژی در نزد اعضای ناتو بسیار مهم تلقی شده است. به این دلیل که اعضای ناتو حدود ۵۰ درصد از نیازهای انرژی خود را از کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا تأمین می‌کنند. بی‌ثباتی در غرب آسیا، عامل اصلی نگرانی اعضای ناتو است. این مسئله باعث شده است که ناتو نقش مهمی در تأمین امنیت انرژی داشته باشد. بر این اساس، نقش ناتو در تأمین امنیت انرژی می‌تواند با همکاری اعضای ناتو ایفا گردد. در سال‌های اخیر در بسیاری از نشست‌ها و بیانیه‌های ناتو بر امنیت انرژی تأکید شده است که مبنای رهیافت ناتو در زمینه تأمین امنیت انرژی قرار گرفت. بر اساس سند مفهوم نوین استراتژیک ناتو، مصوب سال ۲۰۱۰ در لیسبون، امنیت انرژی همچنان یکی از مسائل مورد توجه ناتو است (Gallis, 2008). شاید مداخله ناتو در لیبی از همین زاویه قابل تحلیل باشد. لیبی با داشتن ۴۶ میلیارد بشکه نفت بزرگ‌ترین ذخایر نفتی آفریقا را دارد. بررسی اجلاس‌های ناتو نشان می‌دهد یکی از اهداف مداخله این سازمان در لیبی بحث مربوط به انرژی است. جنگ داخلی می‌توانست به زیرساخت‌های نفت لیبی آسیب وارد کرده و باعث بالا رفتن قیمت نفت شود. بر همین اساس اعضای ناتو برای پایان دادن به جنگ داخلی در لیبی مداخله نظامی کردند. مداخله ناتو در لیبی را می‌توان به عنوان بازتابی از منافع غرب برای دسترسی به ذخایر نفتی لیبی، خلاصه کرد، زیرا لیبی هفتمین تولیدکننده بزرگ نفت در جهان و سومین صادرکننده بزرگ به اروپا است.

ناتو و بحران سوریه: بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ در شرایطی آغاز شد که در فیسبوک صفحه‌ای با عنوان «سوریه بر ضد بشار اسد» گشوده شد و از مردم درخواست کرد که بر ضد حکومت اعتراض کنند. بعد از این رویداد، اعتراضات پراکنده‌ای در شهرهای مختلف سوریه رخ داد. تعداد مشارکت‌کنندگان در صفحه فیسبوک «سوریه بر ضد بشار اسد» به ۲۵ هزار نفر رسید. به پیشنهاد آنها تظاهرات در شهرهای حص، حسکه، دیرالزور، قامشلی و درعا در جنوب برپا شد (نجات، ۱۳۹۶: ۶۵-۶۶). در مارس ۲۰۱۱ تظاهرات در مناطق مختلف سوریه برگزار و عمدتاً توسط حکومت سرکوب شد. این اعتراضات با واکنش نیروهای امنیتی مواجه شد و در شهر درعا چهار نفر از تظاهرکنندگان کشته شدند (نجات، ۱۳۹۶: ۶۵-۶۶). در پی این حادثه تظاهراتی چندین هزار نفری به راه افتاد که خشم خود را با آتش زدن مقر حزب بعث، مقر دادگستری و چند اداره دولتی نشان دادند. علاوه بر مسائل داخلی، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این کشور را به گرداب جنگ داخلی گسترده‌ای فرو برد.

پس از شروع بحران سوریه گروه‌ها مختلفی برای مقابله با رژیم اسد شکل گرفتند. مجموع اقداماتی که توسط این گروه‌ها در سوریه اجرا و سازمان‌دهی شد موجب تشدید، تداوم بحران و گسترش آن به فراسوی مرزهای این کشور گردید. قدرت‌های فرامنطقه‌ای نیز سعی کردند تا به نحو بهتری از روند تحولات در سوریه بیشترین نفع را ببرند. در همین راستا، کشورهای غربی در پوشش ناتو تلاش کردند در تحولات سوریه تأثیرگذار بیشتری داشته باشند.

امکان‌سنجی تکرار سناریوی لیبی توسط ناتو در سوریه: کمیسیون مستقل بین‌المللی نقض سیستماتیک حقوق بشر از زمان شروع بحران سوریه حدود هفت گزارش تهیه کرده و نتیجه آن شده است که دولت سوریه و گروه‌های شورشی نقض حقوق بشر را مرتکب شده‌اند. در بحران سوریه وقوع جنایات جنگی حتمی است و در طی دو سال اخیر چندین بار از سلاح‌های شیمیایی در عرصه مخاصمات مسلحانه در سوریه توسط نیروهای دو طرف استفاده شده است (Thakur 2014). محکوم کردن رژیم سوریه و تأیید مداخله نظامی توسط اتحادیه عرب، شورای امنیت را قادر نمی‌کند تا مداخله نظامی بشردوستانه ناتو در سوریه را عملیاتی کند. در حال حاضر، مخالفت‌های بین‌المللی فراوانی برای هرگونه مداخله نظامی در سوریه وجود دارد. کوفی عنان، نماینده ویژه سازمان ملل متحد در امور سوریه، در تاریخ ۸ مارس ۲۰۱۲ اعلام کرد که «هرگونه مداخله نظامی در سوریه را رد می‌کند، زیرا منجر به وخیم‌تر شدن اوضاع در سوریه می‌شود». کوفی عنان اظهار داشت که سازمان ملل قطعنامه‌ای را به تصویب رسانده است مبنی بر اینکه مداخله نظامی در این کشور باید به رهبری سوریه باشد (Knapp & Lecturer, 2012). روسیه و چین با مداخله نظامی بشردوستانه ناتو در سوریه مخالف هستند، چرا که منجر به تغییر رژیم خواهد شد. به همین دلیل است که این دو کشور مداخله بشردوستانه سازمان ملل و ناتو در سوریه را محکوم می‌کنند. دبیر کل

سازمان ملل بیان کرد که اعمال مداخله بشردوستانه در بحران سوریه تردیدهایی را در مورد اینکه آیا اعمال R2P می‌تواند به عنوان دکترین بحث‌برانگیز مداخله بشردوستانه در بحران سوریه کارساز باشد، وجود دارد (Perisic, 2017). اگرچه نقض سامانمند (سیستماتیک) حقوق بشر در بحران سوریه مورد تأیید قرار گرفته است اما اعضای شورای امنیت نتوانستند قطعنامه‌ای مبنی بر مداخله بشردوستانه ناتو در بحران سوریه به تصویب برسانند. روسیه و چین نه تنها هر قطعنامه‌ای را علیه سوریه وتو کردند، بلکه اعمال تحریم‌ها علیه سوریه را نیز رد کردند. روابط استراتژیک روسیه و سوریه باعث شده است تا سوریه جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی روسیه داشته باشد. با توجه به موانع ساختاری متعددی که در ارتباط با مداخله بشردوستانه در سوریه وجود دارد می‌توان به این نکته پی برد که مداخله بشردوستانه سازمان ملل و ناتو در بحران سوریه بعید به نظر رسد.

رویکرد و اقدامات ناتو در بحران سوریه: با شروع بحران سوریه، کشورهای غربی در پوشش ناتو به نقش‌آفرینی در این بحران پرداختند. ناتو در بحران سوریه اقدامات منسجم و هماهنگی را به مرحله عمل رساند که در ذیل به تحلیل و بررسی آنها خواهیم پرداخت.

دیدگاه ناتو به بحران سوریه: راسموسن تأکید کرد که ناتو قصد هیچ‌گونه مداخله‌ای در سوریه ندارد. دبیر کل ناتو در سخنرانی خود در آنکارا در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۱۲ با عنوان «ناتوی جدید - ترکیه جدید» اظهار داشت که ناتو قصد هیچ‌گونه مداخله‌ای در سوریه را ندارد. دبیر کل ناتو اظهار داشت که تنها راه حل بحران سوریه «توجه کردن به خواسته‌های دموکراتیک مردم سوریه» است (Perez & Garau, 2013). در روز ۲۴ فوریه، طرح «دوستان سوریه» با ابتکار فرانسه در تونس تشکیل شد. نتایج این نشست حیاتی بود زیرا کشورهای عضو ناتو «شورای ملی سوریه» را به عنوان یک گروه شبه‌دولتی به رسمیت شناخت (Grierson & Khomami, 2017). دبیر کل ناتو از طرح «دوستان سوریه» در ۲ آوریل و تلاش‌های آنها برای یافتن راه حل سیاسی برای بحران سوریه استقبال کرد.

حمایت ناتو از ترکیه: در ۲۲ ژوئن، یک جنگنده ترکیه حریم هوایی سوریه را نقض کرد و سپس در حریم هوایی این کشور سقوط کرد. ناتو سقوط جنگنده ترکیه را نتیجه بی‌توجهی مقامات سوریه به هنجارهای بین‌المللی صلح و امنیت دانست و آن را محکوم کرد (Paust, 2011) دبیر کل ناتو اعلام کرد که این سازمان «تحولات در مرز جنوب شرق ناتو» را دنبال خواهد کرد. در ۳ اکتبر، بر اثر برخورد یک پاتک نظامی از سوریه به داخل ترکیه ۵ نفر کشته شدند و پس از آن ارتش ترکیه مواضع ارتش سوریه را بمباران کرد. در همان روز، شورای آتلانتیک شمالی هم تحت ماده ۴ تشکیل جلسه داد (Bhardwaj, 2012). در ۲۱ نوامبر، ترکیه از ناتو درخواست حمایت هوایی را داد. کشورهای آمریکا، هلند و آلمان آمادگی خود را اعلام کردند. در چهارم دسامبر ناتو به درخواست ترکیه با اعزام پدافندهای ضد هوایی به ترکیه موافقت کرد که به طور

مستقیم به فرماندهی عالی ناتو در اروپا وابسته است (Kildorn, 2012).

ناتو و خلع سلاح شیمیایی سوریه: بعد از این که حکومت اسد و مخالفان در منطقه غوطه که تحت کنترل نیروهای شورشی بود از تسلیحات شیمیایی استفاده کردند یک هفته بعد شورای آتلانتیک شمالی درباره سوریه جلسه فوق‌العاده‌ای تشکیل داد، زیرا ناتو همواره در بیانیه‌ها و اجلاس‌های خود مقابله با سلاح‌های شیمیایی و منع استفاده از این تسلیحات را مورد تأکید قرار داده بود. در این جلسه دبیر کل ناتو، دولت سوریه را مقصر دانست. اعضای ناتو مدعی بودند که سرویس‌های مخفی آنها شواهدی در اختیار دارند که بشار اسد از گاز سمی سارین استفاده کرده است. در نتیجه اعضای ناتو در حمایت از مداخله نظامی در سوریه با یکدیگر گفتگو کردند؛ اما مداخله نظامی صورت نگرفت، چرا که روسیه پیشنهاد خلع سلاح شیمیایی سوریه را در نظر داشت و اعلام کرد که سوریه به کنوانسیون خلع سلاح شیمیایی ملحق خواهد شد (Samaan, 2012). در همین راستا سه روز بعد از امضای این توافق‌نامه، شورای ناتو - روسیه در این مورد گفتگو کردند. دبیر کل ناتو اعلام کرد که اگر سوریه این طرح را به طور کامل عملی نکند، شورای امنیت اقداماتی را تحت فصل هفتم منشور سازمان ملل به انجام می‌رساند. یک ماه بعد، OPCW همه ظرفیت‌های موجود تولید سلاح‌های شیمیایی را خنثی کرد. بر اساس اطلاعات OPCW، تمام سلاح‌های شیمیایی بین هفتم ژانویه تا ۲۳ ژوئن ۲۰۱۴ در بنادر سوریه بارگیری و به انگلیس، فنلاند و آمریکا فرستاده شد (Kaim, 2014). در چهارم دسامبر ۲۰۱۳، شورای ناتو - روسیه در یک بیانیه مشترک اعلام کردند تنها راه حل بحران سوریه، فرایند سیاسی پیگیر تحت رهبری سوریه است.

ناتو و جنگ علیه تروریسم: از زمانی که گروه تروریستی داعش بخش‌های زیادی از سوریه را به تصرف خود درآورد و اقلیت‌های دینی را قتل عام کرد باعث شد تا ناتو مقابله جدی با داعش را پیگیری کند. ناتو در اجلاس سالانه خود در ولز انگلستان از تلاش برای هدف قرار دادن داعش خبر داد. در این اجلاس اعضای ناتو بیان داشتند که رژیم اسد باعث هرج و مرج و ویرانی در کشور شده است و بر نقش مهم گروه‌های مخالف (اپوزیسیون) میانه‌رو برای حفاظت از جامعه در برابر تهدیدات دیکتاتوری رژیم سوریه و افراط‌گرایی داعش تأکید کردند (www.nato.int/docu/wal/2014). دبیر کل ناتو در اردن اظهار داشت که ناتو از ائتلاف جهانی برای شکست داعش در سوریه و عراق حمایت می‌کند و ائتلاف تحول عظیمی در سوریه ایجاد کرده است (www.nato.int/docu/wal/2014).

ناتو و جنگ هوایی بین‌المللی: ائتلاف جهانی حملات هوایی خود را در سوریه آغاز کرد. تا فوریه ۲۰۱۷، این ائتلاف حدود ۱۸/۴۵۸ حمله هوایی در خاک سوریه را به انجام رساند. از زمانی که اعضای ناتو از پایگاه‌های نظامی ترکیه در انجام حملات نظامی به سوریه استفاده می‌کردند، روسیه با دعوت دولت سوریه جهت‌های جنگی خود را در سوریه مستقر کرد. دلیل این مسئله قطعاً جلوگیری از حملات نیروهای ناتو

به نیروهای دولتی سوریه بود (Losing, 2017: 40). در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۵ حملات تروریستی وحشتناکی در پاریس به وقوع پیوست که طی آن حدود ۱۳۰ نفر کشته شدند. ناتو این حملات را محکوم و اعلام کرد که مواضع سازمان تروریستی داعش را با شدت هر چه تمام‌تر هدف قرار خواهند داد. در جلسه اضطراری ناتو در ۱۱ فوریه ۲۰۱۶، تصمیم گرفته شد که با همکاری آژانس مدیریت مرزی اتحادیه اروپا، انتقال پناهندگان از ترکیه و یونان به اروپا متوقف شود. در همین راستا، یک گروه دریایی ناتو برای مقابله با مهاجرت‌های غیرقانونی ایجاد شد. در جلسه وزرای دفاع ناتو. به ریاست ژنرال استولنبرگ، دبیر کل این سازمان، تصمیم گرفته شد که ناتو حمایت خود را از ائتلاف بین‌المللی علیه داعش تقویت کند (Losing, 2017: 41). آنها شروع به اجرای برنامه‌های خاصی در اردن و تونس کردند و نظارت خود در مرز بین ترکیه و سوریه را تشدید کردند.

تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

هدف ما در این بخش از پژوهش بررسی این مسئله است که چرا ناتو در بحران لیبی مداخله می‌کند و رژیم سیاسی قذافی را سرنگون می‌کند، اما در بحران سوریه که عمق بحران عمیق‌تر است، مداخله نظامی صورت نمی‌گیرد؛ بنابراین، ما در این بخش از پژوهش به بررسی متغیرهای تأثیرگذار بر رفتار متفاوت ناتو در بحران لیبی و سوریه می‌پردازیم.

سطح بین‌المللی: اجماع/عدم اجماع قدرت‌های بزرگ: اجماع بین اعضای شورای امنیت منجر به تصویب اولین قطعنامه در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ علیه لیبی شد. تصویب این قطعنامه اجماع میان ابرقدرت‌ها در ارتباط با مداخله بشردوستانه در لیبی را نشان می‌داد. در ۱۷ مارس ۲۰۱۱، قطعنامه ۱۹۷۳ با ۱۰ رأی موافق و ۵ رأی ممتنع در جهت حفاظت از شهروندان لیبیایی به تصویب رسید. دلیلی که چین و روسیه با انجام منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی موافقت کردند مربوط به نگرانی آنها از چهره خود در نظام بین‌الملل بود، چرا که در بحران لیبی نقض حقوق بشر به وقوع پیوسته بود (Spegele, 2011). با شروع بحران سوریه و وقوع نقض حقوق بشر اعضای دائم شورای امنیت نتوانستند قطعنامه‌ای علیه سوریه تصویب کنند چرا که روسیه و چین هر قطعنامه‌ای را در ارتباط با بحران سوریه وتو کردند. روسیه و چین از اکتبر ۲۰۱۱ تا جولای ۲۰۱۲، ۳ قطعنامه شورای امنیت را وتو کردند (Davidson, 2013). این قطعنامه‌ها، اقدامات دولت سوریه را محکوم و خواستار مداخله بشردوستانه ناتو می‌باشد. امکان اجماع میان ابرقدرت‌ها برای مداخله نظامی در سوریه به دلیل تضاد منافع میان آنها بسیار ضعیف است؛ این تضاد منافع به سازمان‌های بین‌المللی نیز کشیده شده است. در ادامه به صورت مختصر به بررسی منافع و رویکرد متفاوت ابرقدرت‌ها در سوریه می‌پردازیم:

چین به این دلیل که ناتو در لیبی از قطعنامه ۱۹۷۳ فراتر رفته است با مداخله بشردوستانه در سوریه مخالف است. در سال ۲۰۱۰ روابط تجاری دوجانبه در حدود ۲/۵ دلار بوده است (Hayoun, 2013).

ملاحظات رسمی چین به طور کلی مبتنی بر منافع ملی است. روسیه منافع سیاسی - اقتصادی گسترده‌ای در سوریه دارد. روسیه دارای پایگاه نظامی در سوریه است. سوءاستفاده ناتو از قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت در لیبی باعث شده است که روسیه نسبت به هرگونه مداخله نظامی ناتو در سوریه بدبین باشد (Alison, 2013). روسیه از مدت‌ها پیش تأمین‌کننده تسلیحات سوریه بوده است. روسیه تا سال ۲۰۱۲ حدود ۴ میلیارد دلار به سوریه سلاح فروخته است (Saul, 2014). آمریکا برخلاف نگرانی‌های به ظاهر انسان‌دوستانه، اهداف ژئوپلیتیکی مهمی در سوریه دارد. آمریکا به دلیل روابط سوریه با روسیه و ایران، این کشور را در ۱۸ مه ۲۰۱۱ تحریم کرد. آمریکا در ۵ اوت ۲۰۱۱ به اتفاق کشورهای انگلیس، فرانسه و آلمان خواستار کناره‌گیری بشار اسد شدند. به طور کلی منافع آمریکا در سوریه بر سرنوشتی بشار اسد استوار است (Afoaku, 2015). مواضع انگلیس به سوریه موضوعی مشابه آمریکاست. فرانسه نیز دیدگاهی بشردوستانه و ژئوپلیتیکی به بحران سوریه دارد. فرانسه و انگلیس خواستار برکناری اسد از قدرت هستند. انگلیس و فرانسه به دنبال یک راه حل نظامی در انطباق با شورای امنیت در سوریه هستند؛ بنابراین، فرانسه و انگلیس با ادعای استفاده دولت سوریه از تسلیحات شیمیایی، مداخله نظامی در سوریه را در نظر داشته‌اند.

بنابراین اجماع و عدم اجماع ابرقدرت‌ها در بحران لیبی و سوریه عاملی مهم و تأثیرگذار در واکنش ناتو به بحران لیبی و سوریه بوده است. اجماع میان قدرت‌های بزرگ منجر به مداخله بشردوستانه ناتو و سازمان ملل در لیبی شد اما در بحران سوریه به دلیل شکاف میان قدرت‌های بزرگ و برخی ملاحظات سیاسی، امنیتی و اقتصادی روسیه و چین باعث شد تا ناتو نقش انفعالی در بحران سوریه داشته باشد.

سطح منطقه‌ای: نقض سامانمند (سیستماتیک) حقوق بشر از سوی قذافی باعث شد تا کشورهای منطقه از شورای انتقالی لیبی حمایت کنند. اتحادیه عرب جنایات رژیم قذافی را محکوم و از مداخله نظامی ناتو در لیبی حمایت کرد. اتحادیه عرب در بحران لیبی نقش بسیار فعالی را ایفا کرده بود. همان طور که کمتر از یک ماه از آغاز ناآرامی‌ها، عضویت لیبی را به حالت تعلیق درآورد و از برقراری منطقه پرواز ممنوع بر فراز آسمان لیبی حمایت کرد (Nalm, 2018). اتحادیه عرب در بحران سوریه نقش به نسبت محدودتری داشته است.

اتحادیه عرب پس از نه ماه جنگ شدید در سوریه، عضویت سوریه را به حالت تعلیق درآورد (Zenco, 2011). اعضای اتحادیه عرب تاکنون تمایلی به مداخله نظامی و برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه از خود بروز نداده‌اند.

ایران متحد استراتژیک سوریه است که می‌تواند نقش مهمی در امور منطقه‌ای ایفا کند. منافع استراتژیک، حمایت از بشار اسد، حمایت از حزب‌الله و از بین بردن گروه‌های جهادی، محرک‌های اصلی فعالیت ایران در منطقه است. در همین راستا، ایران تلاش‌هایی برای تقویت ارتش سوریه انجام داده است. حمایت نظامی

ایران از سوریه شامل ابعاد هوایی، زمینی و دریایی بوده است (Jageneau, 2016-2017). اتحاد ۳۳ ساله بین ایران و سوریه یک محور استراتژیک کلیدی در منطقه تشکیل داده است. با شروع بحران سوریه، روابط استراتژیک ایران و سوریه وارد فاز جدیدی شده است. از آنجایی که نقش ایران در لبنان و فلسطین به طور کامل با محور تهران - دمشق در ارتباط است این امر باعث شده است تا سوریه برای ایران به یک متحد راهبردی تبدیل شود.

بنابراین، سطح منطقه‌ای بر نقش ناتو در لیبی و سوریه تأثیرگذار بوده است. نقش فعال اتحادیه عرب در بحران لیبی و نقش انفعالی این اتحادیه در بحران سوریه از یک طرف و متحدان منطقه‌ای سوریه از طرف دیگر باعث تأثیر سطح منطقه‌ای بر نقش دوگانه ناتو در بحران لیبی و سوریه شده است.

سطح داخلی: وضعیت داخلی لیبی، مداخله نظامی ناتو در آن را تسهیل کرده بود؛ اما وضعیت داخلی سوریه بسیار متفاوت از لیبی است، به طوری که مداخله بشردوستانه ناتو در سوریه با محدودیت‌هایی مواجه شده است. ما در این بخش به بررسی مقایسه‌ای نقش عوامل داخلی لیبی و سوریه که تأثیرگذار بر رفتار ناتو بوده است، می‌پردازیم.

مقایسه توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه: سیستم دفاع موشکی فرسوده که توسط شوروی طراحی شده بود محدودیت‌های فنی ارتش لیبی را نشان می‌داد. ارتش لیبی در جریان مداخله نظامی ناتو در مدت زمان کوتاهی توان خود را از دست داد (Stefan, 2012). ضعف ساختار نظامی لیبی یکی از عوامل مهم مداخله نظامی ناتو بوده است.

ارزیابی توانمندی‌های نظامی سوریه عامل مهمی بر فرآیند تصمیم‌گیری ناتو در بحران سوریه بوده است. از سال ۲۰۰۶ تاکنون، روسیه صادرات تسلیحات را به سوریه از ۱۶ میلیون دلار به ۱۶۲ میلیون دلار افزایش داده است (Stockholm International Peace Research Institute, 2010). وجود تسلیحات شیمیایی عنصر دیگری است که باید تأثیرات آن را بر رفتار ناتو در بحران سوریه مورد ارزیابی قرار داد.

جدول ۱) توانمندی‌های نظامی لیبی و سوریه

سوریه	لیبی	
۲۹۳۰۰۰	۸۰۰۰۰	کارکنان فعال
۳۵۳۰۰۰	۴۵۰۰۰	نیروهای ذخیره
۴۹۵۰	۵۳۰	تانک
۶۶۱۰	۲۸۴۰	پیاده‌نظام جنگی
۲۱۶۰	۶۵۰	توپخانه

سوریه	لیبی	
۳۳۱۰	۵۸۰	تسلیمات ضد هوایی
۸۴۰	۴۸۰	بالگرد
۱۹	۲۱	کشتی‌های نیروی دریایی
تعداد مشخص نیست	-	سامانه‌های راداری
متوسط	پایین	آمدگی نیروهای انسانی
ضعیف	ضعیف	زیردریایی‌ها

فاکتور «توانمندی‌های نظامی» لیبی و سوریه نقش مهمی در رفتار ناتو در این دو بحران داشته است. خطرات نظامی دخیل در مداخله نظامی بشردوستانه ناتو در سوریه بسیار بیشتر است. مقایسه اپوزیسیون (گروه‌های مخالف) لیبی و سوریه: میزان همگرایی میان اپوزیسیون لیبی بالا بود اما وضعیت نیروهای اپوزیسیون سوریه بسیار شکننده و ناهمگن است. اپوزیسیون سوریه از طریق دین و قومیت سازمان‌یافته‌اند (Lenarz, 2015). اپوزیسیون سوریه و اعضای شورای ملی سوریه (SNC) از برقراری منطقه پرواز ممنوع در سوریه حمایت کرده‌اند (Kildorn, 2012)؛ اما این فرآیند مهم به این دلیل که نیروهای اپوزیسیون سوریه مناطق قابل دفاع و مستحکمی ندارند در سوریه به وقوع نپیوست. اپوزیسیون سوریه بر خلاف اپوزیسیون لیبی فاقد یک پایگاه برای سازمان‌دهی و تجدید قوا هستند. اعضای اپوزیسیون سوریه از سربازان فراری و شبه‌نظامیان محلی تشکیل شده‌اند؛ اما در لیبی، شهر بنغازی به پایگاه اصلی اپوزیسیون لیبی تبدیل شد. از شهر بنغازی بود که اپوزیسیون عملیات خود را به صورت منسجم انجام دادند و باعث شد تا ناتو با تکیه بر فعالیت‌های اپوزیسیون، عملیات نظامی خود را در لیبی به انجام برساند (Square, 2012). نیروی اپوزیسیون سازمان‌دهی شده در بحران لیبی به عنوان یک عامل کلیدی عمل کرده است. مداخله نظامی ناتو در سوریه تا حدودی نیاز به یک اپوزیسیون منسجم و قوی دارد. وضعیت نیروهای اپوزیسیون سوریه بر عملکرد ناتو در بحران سوریه تأثیرگذار بوده است؛ بنابراین، وضعیت نیروهای اپوزیسیون لیبی و سوریه به عنوان یک عامل داخلی در مداخله / عدم مداخله ناتو در لیبی و سوریه شناخته می‌شود. مقایسه نحوه واکنش دولت لیبی و سوریه به اعتراضات داخلی: واکنش اسد نسبت به مخالفان دولت معتدل بود. بشار اسد در مجلس سوریه بیان داشت که «به نیروهای امنیتی دستور داده شده است تا در جریان اعتراضات به شهروندان آسیبی وارد نشود» (Marsh, 2011). چنین وضعیتی با آنچه که قذافی نسبت به مخالفان داشت، متفاوت بود. واکنش تند قذافی به مخالفان باعث واکنش بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی علیه معترضان شد. در روز ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ کمیساریای عالی حقوق بشر از کشورها خواست «تا از خشونت سامانند (سیستماتیک) قذافی علیه معترضان جلوگیری کنند». بان کی مون، اظهار

داشت «رفتار وحشیانه رژیم ممکن است منجر به مداخله نظامی بشردوستانه جامعه جهانی در لیبی شود» (UN Secretary General Special Adviser, 2011). نیویورک تایمز از نقض سامانمند حقوق بشر علیه مخالفان در لیبی انتقاد کرد. گزارش‌های سازمان ملل حاکی از آن است که نیروهای قذافی مناطق غیرنظامی را بمباران می‌کنند (Fermor, 2102)؛ اما نقض حقوق بشر در سوریه معتدل‌تر به نظر می‌رسد. دولت سوریه، استراتژی دوگانه اصلاحات در کنار سرکوب را دنبال کرد. در همین راستا، حکومت نظامی را در آوریل ۲۰۱۱ در راستای ایجاد گفتمان ملی در مه ۲۰۱۰ و انجام اصلاحات لغو کرد. در کنار اصلاحات، سرکوب نظامی مخالفان ادامه داشت (Slim & Trombetta, 2014). واکنش تند قذافی به مخالفان باعث اجماع جهانی علیه لیبی شد. بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی، جنایات رژیم قذافی را محکوم کردند و بستر لازم برای مداخله ناتو در لیبی فراهم شد. با وجود نقض حقوق بشر در سوریه، نوع واکنش دولت سوریه انجام دادن اصلاحات در کنار سرکوب بوده است. نوع برخورد سوریه به اعتراضات داخلی، باعث عدم اجماع جهانی در خصوص مداخله نظامی بشردوستانه ناتو در سوریه شد. شاید نوع متفاوت واکنش رژیم لیبی و سوریه به مخالفان به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر دوگانگی رفتار ناتو در لیبی و سوریه تلقی شود.

نتیجه‌گیری

ناتو طی سال‌های گذشته با دو بحران امنیتی بزرگ در مرزهای جنوبی خود یعنی بحران لیبی و سوریه مواجه بوده است که در برخورد با هر کدام از این بحران‌ها، راهبرد امنیتی متفاوتی را در پیش گرفته است. راهبرد مداخله نظامی در لیبی (۲۰۱۱) و راهبرد عدم مداخله در سوریه نه تنها نشان‌گر تناقض‌های عملی در راهبردهای امنیتی بلکه بازتاب تناقض‌های هنجاری در رویکردهای امنیتی ناتو است. ناتو با توسل به قطعنامه ۱۹۷۳ شورای امنیت و اصل مداخله بشردوستانه و مسئولیت حمایت، به اقدام نظامی بر ضد لیبی دست زد و حکومت این کشور را سرنگون کرد. بر اساس این دو اصل، استدلال ناتو این بود که حکومت قذافی از ابزارهای غیرقانونی برای سرکوب مردم استفاده کرده است و بنابراین ناتو موظف است به مقابله با این وضعیت بپردازد؛ اما در رابطه با بحران سوریه، وضع به کلی متفاوت بود. از یک طرف، روسیه با درس گرفتن از اقدام یک‌جانبه ناتو در لیبی، نقش جسورانه‌تری برای مواجهه با بحران سوریه از خود نشان داد و از طرف دیگر، بازیگران منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران تلاش کردند در قامت یک بازیگر امنیت‌ساز منطقه‌ای، به تقویت توان داخلی کشورهای متحد بپردازند و مانع پیشبرد راهبردهای یک‌جانبه بازیگران فرامنطقه‌ای شوند. ضمن اینکه خوش‌بینی‌های اولیه ناتو برای استقرار امنیت و ثبات سیاسی در لیبی محقق نشد و امکان توسل مجدد به مسئولیت حمایت، عملاً اعتبار خود را از دست داد؛ بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی مقاله، عوامل مؤثر بر دوگانگی رفتاری ناتو در بحران لیبی و سوریه در سه

سطح رویکرد قدرت‌های بزرگ، نقش بازیگران منطقه‌ای و وضعیت داخلی کشورهای هدف مورد بررسی گرفت. از نظر نگارندگان، اولین و مهم‌ترین مانع ساختاری در دوگانگی رفتار ناتو در لیبی و سوریه، تضاد منافع بین قدرت‌های بزرگ بوده است. اجماع نسبی میان قدرت مؤثر منجر به مداخله در لیبی و ایستادگی و مخالفت روسیه به خصوص در شورای امنیت، منجر به نقش انفعالی این سازمان در بحران سوریه شد. دومین مانع ساختاری، نقش بازیگران منطقه‌ای است. لیبی نه تنها هیچ متحد منطقه‌ای نداشته بلکه نقش فعال اتحادیه عرب منجر به تسهیل مداخله بشردوستانه ناتو در لیبی شد؛ اما نقش فعال ایران به عنوان متحد استراتژیک در بحران سوریه و نقش انفعالی اتحادیه عرب در مقابله با بحران سوریه باعث رفتار انفعالی ناتو در سوریه شد. سومین مانع ساختاری، توانمندی نظامی متفاوت لیبی و سوریه است. ضعف ساختار نظامی لیبی عامل مهمی در «چشم‌انداز موفقیت» ناتو محسوب شد؛ اما سوریه از توانمندی‌های نظامی به نسبت بالاتری برخوردار بوده است.

منابع

منابع فارسی

- آزاده، سجاد (۱۳۹۰)، اهداف ناتو در لیبی، مطالعات غرب آسیا، ۹۹-۱۲۶، (۱۸) ۶۷
- جعفری، علی (۱۳۹۳)، ناتو در غرب آسیا و خلیج فارس تهران: انتشارات ابرار معاصر
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۹)، روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها تهران: انتشارات سمت
- مدکالف، جنیفر (۱۳۹۲)، ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) ترجمه عسگر قهرمان پور، تهران: نشر خرسندی
- نجات، سید علی (۱۳۹۶)، بحران سوریه و بازیگران منطقه‌ای تهران: انتشارات فرهنگی ابرار معاصر

منابع انگلیسی

- Afoaku, O. (2015), **Comparative Analysis of UN Security Council Actions in Libya and Syria**. School of Public and Environment Affairs
- Allison, R. (2013), **Russia and Syria: explaining alignment with a Regime In Crisis** *International Affairs*, 89 (4), 795 – 823
- Barnett, M. N. (2010). **The International Humanitarian Order**. New York: Routledge.
- Bhardwaj, M. (2012), **Development of conflict in Arab Spring Libya and Syria: From revolution to civil war**. *Washington University International Review*, 1(1), 76-97.
- Blower, A. (2017), **The Syrian Refugee Crisis: A Short Orentation**, Ryerson University Press
- Booth, k. (2017), **Realism and World Politics**, Simultaneously Published in the USA and Canada
- Buckley, C. A. (2012), **Learning from Libya, acting in Syria**. *Journal of Strategic Security*, 5 (2), 10
- Daalder, I. and J. Stavridis (2012), **NATO and Victory in Libya Crisis**, *Foreign Affairs*
- Davidson, J (2013), **France, Britain, Russia and the Intervention in Libya: Integrate analysis**. *Cambridge Rewiew of International Affairs*

- Fahim, k. and D. Kirkpatrick (2011), **Airstrikes Clear Way for Libyan Rebels: First Major Advance**, New York: Routledge
- Fermor, C. (2012), **NATO Decision to Intervene in Libya: Realist Principles or Humanitarian?**. Journal of Politics & International Studies, Vol. 8, Winter 2012/13
- Gagneau, T. (2016-2017), **Interventionism and Failing of R2p: Syria as a Symbol of a Changing World Order**, Faculteit Politieke en Sociale Wetenschappen.
- Hinnebudch, R. (2012), **Syria: From authoritarian upgrading to revolution?** international Affairs
- Jones, J. (2015), **Humanitarian Intervention in a Multipolar World**, Washington University Global Studies Law Review
- Kildron, L. (2012), **The Libyan Model and Strategy: Why it Won't Work in Syria**, Journal of Strategic Security, 5(4),8.
- Kirkpatrick, D. (2011), **NATO Target Qaddafi Ground Forces as Libyan Rebels Regroup**, Foreign Affairs
- Knapp, K. and Lecturer, S. (2014), **The Crisis in Syria: The Case for UN Peacekeepers**, International Relations Round Table Coordinator
- Lenarz, J. (2015), **Rtop-Why intervention has Taken Place in Libya but not in Syria** Humanitarian Intervention Centre
- Losing, S. (2017), **360-NATO: Mobilization on all Fronts, News, Reports and Analyses from the European Parliament**, Cambridge University Press
- Macron, Emmanuel (2019) **Macron warns Europe: NATO is becoming brain-dead**, <https://www.economist.com/europe/2019/11/07/emmanuel-macron-warns-europe-nato-is-becoming-brain-dead>
- Molesworth, T. and D. Newton (2015), **Instability and Insecurity in Libya**, Prepared by the United Nations Development Program
- Orfy, M. (2011), **NATO And Middle East: The geopolitical context post-9/11**, Simultaneously published in the USA and Canada
- Perez, P. and Garau, S. (2013), **NATO criteria for intervention in crisis response operation: Legitimacy and Legality**, royal Danish defence college

- Samaan, J. (2012), **The New Logic of the Syrian Conflict And its Meaning for NATO**, Research Division – NATO Defense College, Rome
- Slim, H., & Trombetta, L. (2014), **Syria crisis common context analysis**. New York: **Co-ordinated Accountability and Lessons Learning (CALL) Initiative**, IASC Inter-Agency Humanitarian Evaluations Steering Group
- Square, J. (2012), **Syria: Prospects for Intervention, Chatham House Meeting Summary**
- Stefan, H. (2012), **Explain Humanitarian Intervention In Libya and No-Intervention In Syria**. Supervisor: Mohammed Hafez, University of the German Armed Forces Hamburg: 92
- Thompson, K. (2005), **Political Realism and the Crisis: An American Approach to Foreign Policy**, Princeton University Press
- Trump, Dona;d (2017) **‘Trump worries Nato with ‘obsolete’ comment’**, <https://www.bbc.com/news/world-us-canada-38635181>
- Turkmen, F. (2014), **From Libya to Syria: The Rise and Fall of Humanitarian Intervention?**, Prepared for presentation at the 2014 ACUNS Annual meeting
- Wales Summit Declaration, **Issued by the heads of State and Government Participating in the Meeting of the North Atlantic Council in Wales from 4 to 5 September 2014**, Avilable at: http://www.nato.int/cps/en/natohq/official_texts_112964.htm
- Zenco, M. (2011), **By Overreaching in Libya, NATO has Left Syria to Fend alone Council Foreign**

